

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۱۵ دسمبر ۲۰۲۱



شریف منصور

سرگذشت یک رئیس جمهور

(۳)

سیاست خارجی محمد داوود خان

محمد داوود خان در بخش سیاست خارجی افغانستان همچنان بر حفظ بیطرفی افغانستان پافشاری می کرد. از سوی دیگر او خواهان روابط خوب دو جانبه با کشورهای همسایه و جهان بود، به استثنای اسرائیل که محمد داوودخان به عنوان یک رئیس جمهور اسلام گرا نظر مساعدی نسبت به آن نداشت در روز نخست پیروزی کودتا محمد داوود خان در سخنرانی مشهور «خطاب به مردم» او نقشه راه سیاست خارجی دولت جمهوری را مشخص کرد:

«دولت جمهوری جوان افغانستان با در نظر داشت تحولات جهانی و به تاسی از سیاست داخلی متمدنی خویش مسایل آتی را در سیاست خارجی خود در نظر می گیرد:

افغانستان همیشه یک کشور صلح دوست بوده و خواهد بود. این سیاست به خصوص از طرف دولت جمهوری جوان افغانستان به صورت دوام دار تعقیب می گردد. دولت جمهوری افغانستان در حالی که به معاهدات عادلانه بین المللی خود وفادار می باشد، معتقد است که با کمک کشورهای عضو ملل متحد و به اتفاق سایر کشورهای صلح دوست جهان، می تواند در امر تأمین صلح و امنیت، رفع تشنجات بین المللی و موفقیت سیاست دیتانت، سهم بگیرد. دولت جمهوری افغانستان معتقد است که باید به سیاست استعمار و نژاد

پرستانه خاتمه داده شود. اصل حق تعیین سرنوشت ملل تحقق یابد، آثار تجاوز اسرائیل بر کشورهای عربی از میان برده شود و حقوق ملی مردمان فلسطینی احیاء گردد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای پیرو نظام های اجتماعی مختلف به طور دوامدار تعقیب گردد و به سیاست تجاوز و جنگ خاتمه داده شود و از توسل به قوه در زمینه حل مسائل مورد اختلاف اجتناب به عمل آید. به خاطر اعتقاد به این هدف ها دولت جمهوری افغانستان بر اساس سیاست مستقل صلح جویانه، بی طرفی مثبت و فعال و عدم شرکت در پیمان های نظامی، احترام به منشور ملل متحد، پشتیبانی از نهضت آزادی خواهی، دوستی و همکاری و تحکیم روابط حسنه با تمام کشورهای صلح دوست جهان - بسط و توسعه روابط و همکاری اقتصادی، فنی و فرهنگی به این کشورها، بر مبنای منافع متقابل ملی استوار می باشد. دولت جمهوری افغانستان به پیروی از اراده آزاد مردم خود یکبار دیگر به تأیید از اعلامیه جمهوری به صراحت و صداقت اعلام می دارد که ماهیت سیاست داخلی و خارجی افغانستان را اصل صلح و عدالت، آزادی ملی، حاکمیت ملی و استقلال ملی تشکیل می دهد. بنا برآن تکرار می کنم که زیستن در صلح و تقویت علایق دوستانه به اساس احترام متقابل به همه مردم و ملل دنیا، یکی از آرزوهای قلبی ما است. به حکم اصول همجواری خاطر نشان می سازم که روابط همسایگی نیک دوستی ما با اتحاد جماهیر شوروی خلل ناپذیر است. با همسایه دیگر خود جمهوریت مردم چین مناسبات دوستانه و صمیمانه داریم و آرزو مندیم این دوستی باز هم گسترش یابد. روابط ما با برادران ایرانی همیشه دوستانه بوده و امیدواریم این روابط دوستانه بیشتر تحکیم گردد. در مورد مناسبات ما با پاکستان باید گفت که متأسفانه این یگانه کشوری است که روی مسأله پشتونستان و حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ خود با آن اختلاف نظر داریم. دولت جمهوری افغانستان با حوصله و خونسردی کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافتمندانه مسأله ملی پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد. ما عقیده داریم که مناسبات افغانستان و پاکستان با منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه مطابقت دارد و امیدواریم سر انجام به این امر توفیق خواهیم یافت.

پیوند های معنوی فراوان ما را با کشور های ملی و مترقی عربی بسته می سازد. ما با کشورهای غیرمنسلک جهان سوم به خاطر تأمین صلح و مبارزه علیه استعمار به هر شکلی که باشد و تبعیض نژادی همکاری نزدیک خواهیم داشت. رشته های محکم و وجوه مشترک قابل توجه ، دوستی ما را با هند و بنگله دیش تأمین کرده است و خواهان صلح دایمی در نیم قاره می باشیم.»

تیرگی روابط با پاکستان

همانطور که دیدیم محمد داوود خان یکی از پرچم داران داعیه پشتونستان بود به همین خاطر از همان ابتدای رسیدن به قدرت، بحث پشتونستان را دوباره پیش کشید و وضعیت تا حدودی به حالت دوران نخست وزیری او برگشت. با وجود آن که دولت مردان افغانستان در ظاهر امر از «حل مسالمت آمیز و شرافتمندانه مسأله پشتونستان» سخن می گفتند اما در واقع جمهوری خواهان تصمیم گرفته بودند که با حمایت از استقلال طلبان پشتون و بلوچ این مشکل را یکطرفه کنند. محمد داوود خان می دانست که تیرگی روابط میان دو کشور مساوی است با سردی روابط با ایالات متحده و ایران. با وجود آن محمد داوود خان حمایت از پشتونستان را نسبت به دوستی با پاکستان، ایران و غرب ترجیح داد. حل مسأله پشتونستان کار آسانی نبود و افغانستان به تنهایی از پس آن بر نمی آمد برای این کار محمد داوود خان به متحدان و حامیانی نیاز داشت که پیدا کردن شان چندان سخت نبود، هند، دشمن قدیمی پاکستان و بنگله دیش نوظهور که به تازگی از پاکستان جدا شده بود و طبعاً نمی توانست دوست خوبی برای پاکستان باشد متحدان خوبی به شمار می آمدند. مشکل اینجا بود که به استثنای محمد داوود خان هیچ کس تمایل ویژه ای به «حل مسأله پشتونستان» آنطور که محمد داوود خان می خواست نداشت. اتحاد شوروی اگرچه در ظاهر امر از محمد داوود خان در این مورد حمایت می کرد اما این حمایت بیشتر ظاهری و مقطعی بود تا یک حمایت کامل و قطعی. هند هم اگرچه از استقلال طلبان حمایت می کرد اما نه به اندازه محمد داوود خان و پشتونستان برای هند حکم عضو آسیب پذیری را داشت که با آن می توانست پاکستان را بیازارد. در داخل خود کشور هم نظر همه مردم درباره مسأله پشتونستان یکسان نبود. آقای سید شمس الدین مجروح می گوید که سه نوع طرز تفکر متفاوت در مورد مسأله پشتونستان وجود داشت:

«اول این که گفته می شد این قسمتی از خاک افغانستان است باید اعاده شود زیرا افغانستان با انگلیس ها معاهده نموده بود و حالا که انگلیس ها رفته اند و خط دیورند وجود ندارد باید آن قسمت ها به افغانستان الحاق شوند. طرز تفکر دوم این بود که گفته می شد مردم پشتونستان نمی خواهند با افغانستان یکجا شوند و روشنفکران آنجا مانند عبدالغفار خان و دیگران شاید بخواهند یک مملکت مستقل داشته باشند باید آنها تأیید شوند و خواسته های آنها به نظر قدر دیده شود. فکر سوم این بود که هیچ اقدامی باید صورت نگیرد. پشتون ها می دانند با پاکستان و انگلیس ها. ما تنها تماشاچی باشیم و به آینده نگاه کنیم و خود را به مشکلات مواجه نسازیم.»^۱

محمد داوود خان برای حل مسأله پشتونستان تصمیم گرفت که همانند گذشته از ناراضیان آن کشور حمایت کند. به همین خاطر ترتیبی داد که آنها آموزش های نظامی ببینند و مسلح شوند. ژنرال محمد نبی عظیمی می نویسد:

«محمد داوود خان علی رغم گفتار و اظهارات خویش مبنی بر حل عادلانه قضیه پشتونستان در اولین سال های نظام جمهوری آگاهانه و یا نا آگاهانه عده ای از رجال و شخصیت های معروف پشتونستان مانند خان عبدالولی خان، اجمل ختک و غیره را به کابل دعوت نموده و برای آنها پول و اسلحه فراوان تأدیه کرد. عده ای از جوانان و شورشیان بلوچ را در نواحی کندهار، تحت تعلیم و تربیت نظامی قرار داد و یک کمپ تعلیم و تربیت نظامی برای جوانان پشتونستانی در دامنه کوه ولایتی، نزدیک سیاه بینی کابل، تحت نظارت گارد جمهوری برپا نمود. آنها مدت دو ماه در این کمپ تحت تعلیم و تربیت نظامی قرار می گرفتند و بعداً به

^۱ _ روز شمار وقایع و تاریخ شفاهی افغانستان، ص ۱۴۵

پاکستان فرستاده می شدند. مسئول تعلیم و تربیت این کمپ جگرن ظاهر آمر تعلیم و تربیت گارد جمهوری بود. ضیا مجید [فرمانده پیشین گارد ریاست جمهوری] همراه با نگارنده و عبدالحق علومی بارها از جریان تعلیم و تربیت نظامی در کمپ مذکور بازدید به عمل می آوردیم. ظاهراً کمپ مذکور را به نام مرکز تعلیمی گارد جمهوری یاد می کردند [می نامیدند] و کسی از کیف و کان آن اطلاع نداشت. اکثراً در اوقات شب، بنا به دستور محمد داوود از مخزن های ارگ، سلاح [های] قدیمی توسط آمر اوپراسیون گارد عبدالحق علومی کشیده [خارج] می شد و توسط موترهای لندور از ارگ خارج شده و به نماینده ولی خان تسلیم داده می شد و مسؤولیت امنیت آن را تا سرحد، گارد ریاست جمهوری متقبل می گردید.^۲

محمد داوود خان مخالفان پاکستان را با آغوش باز می پذیرفت و در سال های نخست تعداد زیادی از مخالفان دولت پاکستان به افغانستان پناهنده شدند و از مزایائی که دولت افغانستان در اختیار آنها قرار می داد بهره مند شدند. یکی از آنها اجمل ختک بود. دولت افغانستان امتیازات زیادی به اجمل ختک داد و امکانات فوق العاده ای را هم در اختیار او گذاشت، آقای جمعه خان صوفی یکی از مخالفان دولت پاکستان که به افغانستان پناهنده شده بود در این مورد می نویسد:

«جمهوری افغانستان در مجموع تابع سیاست نپ شد. برای اجمل منزل جداگانه، محافظین، خدمتگاران، دریاور و موتر داده شد و او را به حیث مرکز مراجعه تبدیل ساختند داوودخان بر اساس سیاست خویش برای اجمل ختک مقام غیرسیاسی قایل شد که بالاتر از اعضای کابینه او بود و به همین جهت افغانان بیشماری که خواستار امتیازات و مرحمت جمهوریت بودند، به اجمل مراجعه می نمودند.»^۳

مخالفان دولت پاکستان پس از فراگیری آموزش های نظامی با سلاح ها و تجهیزاتی که افغانستان در اختیار آنها قرار داده بود به پاکستان برگشتند و عملیات هائی را در داخل خاک پاکستان انجام دادند، اما دولت پاکستان این ناراضیان را بشدت سرکوب کرد. جمعه خان صوفی در خاطراتش می نویسد:

«با آغاز آب شدن برفها و فرارسیدن بهار، در ماه مارچ سال ۱۹۷۴ آمدن جوانان پشتون و بلوچ برای آموزش شروع شد. آنها در گروپ های جداگانه می آمدند، در رأس بلوچ ها، رازق بگتی و صوفی خالق و در رأس پشتون ها، عالم زیب که همزمان قوماندان عمومی نیز بود، قرار داشت. این ها در مرکزی نزدیک چهار آسیاب دوره آموزش جنگهای چریکی را که شامل بخشهای تیوریک و عملی بود، سپری کردند.^۴ جوانان آموزش دیده از راه های مختلف دوباره برگشت نموده و با خود سلاح، مهمات و مواد منفجره انتقال دادند. گروه های دیگری برای آموزش تربیت نظامی و فعالیتهای گوریلائی اعزام شدند. سلسله ای از فعالیتهای تخریبی و سبوتاژ آغاز شد. پرتاب بم بر بانک، پسته های پولیس، انفجار خط ریل، پل، تأسیسات دولتی و قطع لین تلفون و برق جزئی از فعالیتهای آنها بود. در صوبه نیز فعالیتهای تخریبی و کشتن افراد بیگناه ادامه داشت.»^۵

حکومت نیز دست زیر الاشه ننشسته به گرفتاریها و شکنجه ها آغاز کرد و به پولیس صلاحیت های بیشتری داده شد. با آغاز دستگیری جوانان، هدایت چنین بود که نباید آنها خود را به چنگ پولیس دهند. آنها که به چنگ پولیس افتادند مورد شکنجه قرار گرفتند و حتی فامیل های بعضی از آنها به ادارات پولیس آورده شده و

^۲ اردو و سیاست، ص ۱۰۳

^۳ همان منبع، ص ۴۲

^۴ گل برای درمسال، ص ۴۸

^۵ همان منبع، ص ۴۹

مورد بی حرمتی و بی عزتی قرار گرفتند. در بلوچستان خلاف قوای نظامی عملیات آغاز شد و دولت از هلیکوپترهائی که از جانب دولت ایران در اختیار آنها قرار داده شده بود به بمبارد قبیله مری پرداخت و راههای عبور و مرور آنها را مسدود و مری ها را محاصره نمود. در جنگ تلفات جانی و مالی زیادی بر قوای پاکستان نیز وارد شد.^۶ فعالیت جوانان ما کم شد و به عکس در افغانستان، فعالیت اخوانی ها و عناصر مخرب تربیه شده در پاکستان افزایش به عمل آمد و افغانستان تحت فشار داخلی و خارجی قرار گرفت. شماری از خانوادههای مشهور از کنر، شینوار، مهمند، خوگیانی، منگل، خروت و اچکزی به پاکستان کوچیدند.»^۷

جنگ امواج [جنگ رادیویی] میان دو کشور شدت گرفته بود و جنگ تبلیغاتی با پاکستان هم با همان حرارت ادامه داشت و محمد داوود خان شخصاً آن را مدیریت می کرد، جمعه خان صوفی می نویسد:

«ما می خواستیم از فعالیت حکومت بوتهو در بین قبایل جلوگیری نماییم. یعنی پشتونستان آزاد را از تأثیرات مخرب پاکستان محافظت نماییم. برای این کار، اجمل صاحب و یا من زیر عنوان «فیصله قومی» بر روی کاغذ گسستار می نوشتیم و تفنگ را نیز رسم و آن را به ارگ می بردیم. داوودخان هر متن را مرور و بعد از کمی و زیادی دوباره فرستاده می شد و بعد از تصحیح، به تکثیر آن اقدام و از طریق افراد ارتباطی غرض پخش در بین قبایل فرستاده می شد. گاهی متن عنوانی قبیله مشخص می بود و حاوی جملات تحریک کننده در مورد غیرت، شجاعت و مقاومت آنها در برابر انگلیسها می بود تا در مقابل حکومت پاکستان قیام نمایند.^۸ بلوچ ها به کوه بالا شده بودند. زد و خورد ادامه داشت. در اوایل ۱۹۷۴ حکومت افغانستان تربیت نظامی جوانان بلوچ را آغاز کرده بود. اجمل ختک مسئول عمومی جبهات بود. بلوچها از طرف خویش میراکرم بلوچ از خانواده گل خان نصیر و میرلونگ خان را فرستاده بود. وی نماینده عطاالله منگل و غوث بخش بزنجو و جبهات مربوط آنها بود که با اجمل ختک کمک می کرد. اما فشار زیاد جنگ بر قبایل مری تحت تأثیر خیربخش مری بود و قبایل زیادی نسبت بمبارد شدید به افغانستان مهاجر شده بودند.»^۹

اما این اقدامات نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاوردند بلکه به ضرر دولت نوپا هم تمام شدند. پاکستان توانست هم مخالفانش را سرکوب کند و هم به گونه بهتری از مخالفان محمد داوود حمایت کند، آقای سید محمد باقر مصباح می نویسد:

«بالا گرفتن تشنج بین کابل و اسلام آباد قبل از آن که به پاکستان ضربه ای وارد کند، داوود را منفعل ساخت، چون شورش بلوچ ها سرکوب شد و این بار پاکستان به کمک عوامل غرب و سایر مخالفان داوود، علیه دولت او دست به تحریکات زد. دولت ذوالفقار علی بوتهو برای تحریک مردم هزاره افغانستان، یک برنامه رادیویی در اختیار مردم هزاره کویته قرار داد، علاوه بر آن چند کودتا به کمک دولت پاکستان علیه داوود، کشف و خنثی شد و حتی قیام ۲۹ سرطان ۱۳۵۴ در پنجشیر و لغمان در رابطه با پاکستان صورت گرفت.»

۱۰

^۶ همان منبع، ص ۴۹

^۷ همان منبع، ص ۵۴

^۸ همان منبع، ص ۵۵

^۹ همان منبع، ص ۶۷

^{۱۰} تاریخ سیاسی مختصر افغانستان، ص ۱۵۵